



ابوالفضل علی دوست ابرقویی

دختران عصر ما وزندگی حضرت زهرا

دانشجویان پاسخ می دهند

چگونه می توان از بانویی سخن گفت که نه زبان گنجایش بیان فضائل او را دارد و نه قلم توان به بند کشیدن خصائص نیکوی او را! سخن گفتن از آن حضرت، سخن گفتن از بانویی است که فاطمه‌اش نامیدند. چرا فاطمه؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «او را فاطمه نامیدند، بدان خاطر که خداوند فاطمه را از نور خود آفرید.»

فاطمه از زمره بندگان انگشت شماری است که هستی به لطف وجود مبارک آن‌ها پدید آمده است. این حدیث قدسی را آویزه گوش کنیم: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند خطاب به من فرمود: «اگر تو نبودی، افلاک و جهان را نمی آفریدم و اگر علی نبود هر آینه تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود، هر دوی شما را نمی آفریدم». این بانو را چه مقامی است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهاد برمی گشت، نخست بر دخترش فاطمه وارد می شد و او را پدران می بوسید و قاب دیدگانش را از جمال ملکوتی این دختر عرشی پر می کرد، و چون این بانو عزم دیدار پدر می کرد و بر پدر وارد می شد رسول خدا که عصاره هستی است، به عنوان احترام تمام قد جلوی دخترش می ایستاد، بر سرش بوسه می زد و او را به جای خویش می نشاند؛ مگر نه این که دختر اگرچه بار رسالت را بر دوش ندارد، اما امتداد رسالت است.

فاطمه، اسوه است برای همه؛ در همه عصرها و برای همیشه روزگار. اگر امروز فتنه‌ها هم چون پاره‌های ظلمت، چهره واقعیت‌ها و حقایق را پوشانده‌اند، آن چه می تواند سره را از ناسره و طلا را از مطلا تمیز دهد، ارائه الگویی است تمام عیار تا هر کس به توان خود از این مائده آسمانی درس زندگی بگیرد. در این میان، جوانان امت رسول الله بیش از دیگر قشرها به الگوهای کامل نیازمندند. اجازه بدهید فاطمه را از نگاه دانشجویان جوان بشناسیم.

خانم سسمانه. ف (دانشجوی سال دوم رشته فلسفه) وجود منابع را درخصوص مطالعه سیره و

شیوه زندگی فاطمه زهرا علیها السلام ناکافی دانسته و همین تقیصه را عاملی می داند که نسل جوان امروزی نتواند آن گونه که شایسته است، ابعاد زندگی خود را با سیره آن بانو هم خوان سازد. شما چه فکر می کنید؟ آیا منابع در این زمینه اندک هستند؟ یا این که منابع تحلیلی که الگو بودن آن حضرت را «شدنی» عنوان کنند، در دسترس نیست.

پاسخ این پرسش را از زبان یکی دیگر از خواهران دانشجو بشنویم:

خانم زهره. ع (دانشجوی الهیات) ضمن کم بودن تبلیغات درخصوص زندگی واقعی حضرت زهرا علیها السلام و یک سو به عنوان کردن زندگی آن حضرت، وجود منابع قوی و واقعی و منطبق با زندگی اجتماعی امروز درخصوص زندگی آن بانوی گرامی را عاملی می داند که نسل امروز می تواند حضرت زهرا علیها السلام را در عرصه زندگی الگو قرار بدهد. وی در ادامه به این نکته می پردازد که بسیاری از گویندگان تنها به مصائب آن بانو اشاره می کنند، به طوری که پرداختن صرف به این بخش از زندگی حضرت زهرا علیها السلام سایر ابعاد زندگی آن بانو را تحت الشعاع قرار داده است.

خانم سارا. م (کارشناس روابط عمومی یکی از ادارات) یکی از علل کم رنگ بودن حضور فاطمه علیها السلام در زندگی جوان امروزی را دور شدن و بیگانگی جهان امروز از ارزش های واقعی و فطری دانسته و طبعاً انسان هایی که در این فضا زندگی می کنند کم تر به ارزش های الهی فاطمه علاقه نشان می دهند؛ البته همین انسان ها وقتی به فطرت خود مراجعه می کنند، خود را تشنه خصائص می بینند که فاطمه علیها السلام را الگوی انسان های کامل قرار داده است. چرخه زندگی را به سمت فطرت الهی و انسانی سمت و سودادن همت و تدبیری می طلبد که به نظر می رسد انسان امروزی بصیرت آن را یافته و به ضرورت آن پی برده است.

خانم م. گ (دارای کارشناسی اقتصاد، کارمند) وی در توضیح وجه تمایز میان اقتصاد و فرهنگ و ضرورت نهادینه کردن مبانی فرهنگی زندگی

فاطمه زهرا علیها السلام در زندگی انسان امروزی و به ویژه جوانان، این تقیصه را عنوان می کند که متأسفانه در جهان امروز فرهنگ در خدمت اقتصاد قرار گرفته، در نتیجه آن چه حرف اول را در تعیین شاخصه های فرهنگی زندگی امروزی رقم می زند اقتصاد است و فرهنگی که پول و ثروت محوریت آن را تشکیل می دهد.

وی معتقد است که زندگی حضرت زهرا علیها السلام عالی ترین الگوی زندگی یک انسان کامل است، مشروط بر این که دغدغه ها و جلوه گیری های اقتصادی اجازه بدهد شاخص های فرهنگی فاطمه زهرا علیها السلام و صفات آن بانوی عرشی در زندگی انسان ها نقش ایفا کند، در غیر این صورت او توفیق بهره برداری از زندگی آن بانو را نخواهد یافت و این گناهی است که خداوند متعال در قیامت افراد امت را بدان بازخواست می کند؛ چنان که در قرآن کریم آمده است «یومئذ لتسئلن عن النعیم» و بنابر برخی روایات منظور از نعیم (نعمت) در این آیه، نعمت ولایت است و فاطمه مادر ولایت است.

و در پایان سراغ یکی از مریبان تربیتی آموزش و پرورش رقتیم. خانم مهدیه. ف مربی پرورش و دبیر معارف اسلامی چند دبیرستان است. وی شرط بهره مندی از برکات زندگی فاطمه زهرا علیها السلام را عشق و علاقه و ایجاد نوعی هم سوئی با آن بانو می داند و معتقد است بدون ایجاد این عشق و علاقه نمی توان امیدوار بود که از ویژگی های فردی و اجتماعی آن حضرت سهمی نصیب ما گردد. او این توفیق را از خدا می داند و می گوید خداوند توفیق معرفت حضرت زهرا علیها السلام را به کسانی عطا می کند که ظرف پذیرش آن را داشته باشند؛ فیض خدا در این زمینه جاری است؛ اما همه افراد خود را زیر ناودان این فیض قرار نداده اند. (گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه نیست)

عرض ادب به فاطمه علیها السلام توفیق است و ارادت به آن حضرت مسیر سعادت و کمال.

از خدا جوییم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب